

گفتگو با مهندس بازرگان و دکتر یزدی



حاکمیت ملی بدون وجود احزاب قابل تصور نیست

رهبری جاما به سئوالات آدینه پاسخ گفتند. سئوالات به صورت کتبی در اختیار آنان قرار گرفت و پاسخها به صورت کتبی دریافت شد تا از هرگونه اشتباه یا سوء تفاهم جلوگیری شده باشد. مهندس بازرگان و دکتر یزدی (هر دو از اعضای کادر رهبری نهضت آزادی و جمعیت دفاع از آزادی) مشترکاً "پاسخ خود را در اختیار آدینه گذاشتند و دیگران هم بطور جداگانه.

در این شماره پاسخ مهندس بازرگان - دکتر یزدی و لطف الله میثمی را خواهید خواند. امیدواریم پاسخ دکتر پیمان را که بنا به عللی از جمله تنگی جا در این شماره نیامده، در شماره‌های آینده انتشار دهیم.

برای نظرخواهی از شخصیت‌های حزبی و سیاسی آدینه سئوالات خود را با کسانی در میان گذاشته است که در طول ده سال اخیر در عرصه سیاسی ایران فعال بوده و پس از اعلام وزارت کشور دایر بر اجرای قانون احزاب و نام‌نویسی از حزبها و جمعیتها و... حزب و جمعیت آنان برای ثبت نام به این وزارتخانه مراجعه کرده‌اند. از آن میان در فرصت کوتاهی که وجود داشت آقای مهندس بازرگان نخست وزیر دولت موقت و رهبر نهضت آزادی ایران، دکتر ابراهیم یزدی وزیر خارجه دولت موقت و از اعضای کادر رهبری نهضت آزادی و جمعیت دفاع از آزادی و لطف الله میثمی از اعضای کادر رهبری نهضت مجاهدین خلق ایران و همچنین آقای دکتر پیمان از اعضای کادر

حسینعلی ادیب بهبهانی، میرزا آقا اصفهانی (معروف به محاهد)، مجدالاسلام کرمانی. در راس این عده سید محمد طباطبائی و ناظم - الاسلام کرمانی (صاحب تاریخ بیداری ایرانیان) قرار داشتند.

چند ماهی بعد از تاسیس این انجمن، انجمن ملی با ۶۰ عضو تشکیل شد. هر دو این انجمن‌ها ایجاد اتحاد و اتفاق بین سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبائی را هدف خود قرار دادند. از اعضای موثر انجمن ملی می‌توان از ملک‌المتکلمین، میرزا جهانگیر خان (صوفا سرافیل)، سید محمد رضا مساوات، بحیی دولت‌آبادی و برادرش علیمحمد دولت‌آبادی، خاتم سیاح، میرزا علی اکبر ساغمتساز، ذکاءالملک

فرانسه که الگوی بسیاری از سران مشروطه خواه بود نیز به باری همین نوع انجمن‌های سری یا گرفت و به ویژه از سال ۱۸۱۵ (شکست ناپلئون) تا ۱۸۴۸ (برافتادن سلطنت در فرانسه) این انجمن‌های انقلابی و مخفی فعالیت بسیار داشتند.

اولین انجمن مخفی که تاریخ ثبت کرده، به پیشنهاد سید محمد طباطبائی در ۱۳۲۲ قمری تاسیس شد. اعضای این انجمن خود را "فدائی" می‌خواندند، هدفشان برقراری عدالتخانه در ایران بود. اعضای اصلی این انجمن، بنا به نوشته چندتن از موسسان آن عبارت بودند از: شیخ محمد شیرازی ذوالریاستین، سیدبرهان خلخالی، شیخ

در سالهای پایانی سلطنت ناصرالدینشاه همه‌نوع فعالیت سیاسی ممنوع بود، ولی با مرگ او یکباره از همه‌سو، شعله‌های آزادیخواهی برخاست. در آن زمان، حزب به معنای امروزی آن انجمن - و گاهی پارتی که به انگلیسی حزب معنا می‌دهد - خوانده می‌شد. چنین بود تا بعد از سقوط محمد علیشاه که برای نخستین بار - اگر حزب الله ملکم را به حساب نیاوریم - "حزب" در ایران تاسیس شد.

انجمن‌های دوره مظفردالدینشاه، ابتدا همگی مخفی بودند و به احزاب سیاسی اروپا شباهتی نداشتند، بلکه بیشتر به انجمن‌های سری و سیاسی قرون وسطای شرق شبیه بودند. البته باید فوراً "به یاد آورد که انقلاب کبیر

سوالهای آدینه

۴- برای اینکه فضای سیاسی ایران بتواند چندحزبی را در سیاست تحمل کند دولت به عنوان مدیر و مسئول جامعه چه باید بکند و چه امکاناتی را باید در اختیار احزاب گذارد.

۵- برداشت شما از حرکت اخیر دولت در اجرای قانون احزاب چیست و با توجه به بافت سیاسی جامعه آیا سیستم چندحزبی در ایران امکان پذیر است و احزاب می توانند بصورت نهادی در جامعه ایرانی دوام یابند.

۶- چرا در گذشته احزاب سیاسی نتوانسته اند بطور جدی و به صورت نهادی در جامعه ایرانی عمل کنند.

۷- به چه دلایلی حزب و جمعیت شما نتوانست در صحنه سیاسی ایران برنامه های خود را اجرا کند.

۱- نظر شما درباره قانون احزاب چیست و این قانون تا چه حد می تواند پیدایش و فعالیت نظام چندحزبی در صحنه سیاسی ایران را تضمین کند.

۲- اگر قانون احزاب به درستی اجرا شود و احزاب به وجود آیند به پیش بینی شما چه تغییراتی در صحنه سیاسی ایران پیش خواهد آمد.

۳- با توجه به اینکه از سال ۱۳۴۲ به بعد جز در دوره کوتاهی پس از انقلاب اسلامی، احزاب گوناگون در صحنه سیاسی ایران فعال نبوده اند و از این رو مردم با فرهنگ تحزب آشنا نیستند و مدیریت سیاسی جامعه با احزاب روبه رو نبوده است به نظر شما آزادی احزاب اگر به وقوع پیوندد چه مسائل و نتایجی را به بار خواهد آورد.

و ثبات سیاسی را خواهد دید. در کوتاه مدت نیز امید آنکه اوضاع رو به آرامش و اصلاح برود و ملت رفته رفته احساس حاکمیت و تعهد بنماید، هست. بدیهی است که لازمه تحقق این پیش بینی ها و روی دیگر سکه این است که خود ملت نیز خواهان آزادی و شخصیت و حاکمیت ملی باشد. رو به احزاب و تشکل و انضباط بیاورد و قبول حرکت و زحمت و فداکاری بنماید.

۳- همانطور که در بالا گفته شد مسئله حضور و خاصیت احزاب یک معادله دوطرفه است. تنها با تصمیم و حسن نیت دولت (که کمتر هم تحقق پیدا می کند) درست نمی شود.

با وجود این اگر همین قانون احزاب آنطور که تصویب شده است و نایب حال از اجرای آن تعدد شده است با حسن نیت از طرف دولت اجرا شود و آیین نامه ها یا دخالت ها و خودسری ها آن را منحرف و مسأله سازد و از طرف احزاب نیز افراط و تفریط در میان نیاید، دلیلی ندارد که نظام چندحزبی در صحنه سیاسی ایران حاکم نگردد.

۲- اگر قانون احزاب به درستی اجرا شود و به موازات آن خود قانون اساسی و انتخابات آزاد رعایت شود، کشورمان به احتمال قوی در درازمدت روی آزادی و حاکمیت ملت و استقلال و شکوفایی استعدادها و آبدادی

پاسخ مهندس یازرگان و دکتر یزدی

۱- قانون احزاب، مصوبه مجلس در سال ۶۰، در مجموع مترقی است. البته ایرادهایی بر آن وارد است. به عنوان مثال، اصل ۲۶ قانون اساسی فعالیت احزاب سیاسی را آزاد اعلام نموده است مشروط بر آنکه اصول استقلال، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. قانون احزاب می بایستی حداکثر این موارد نقض را تبیین می نمود، نظیر آنچه در ماده ۱۶ قانون مصوب آمده است. اما قانون اساسی به دولت اجازه نمی دهد احزاب را مجبور به ثبت نام و کسب پروانه نماید.

از این تأثیر را در تاسیس حزبی همسویا سوسیال دمکراسی به نام حزب اجتماعيون عاميون (ترجمه کلمه به کلمه سوسیال دمکرات) می توان دید. ارتباط سوسیال دمکراتها با ایرانیان، به ویژه استبداد صغیر (دوران محمدعلیشاه) مفید افتاد. دونفر از سوسیال دمکراتهای باکو نریمان اوف و محمدامین رسولزاده در تاسیس حزب اجتماعيون عاميون نقش موثری داشتند. حیدر عموافلی که در جریان انقلاب ایران، با انفجارها و ترورهای پرسروصداش نامی مشهور شده بود و انجمن غمیبی را در تبریز بنا نهاد بود حزب اجتماعيون عاميون را در ایران تاسیس کرد.

و ملی) نقش موثری داشتند، ولی منسجم نبودند. در حوادث مقدماتی نهضت مشروطه ضرورت تاسیس یک تشکیلات سیاسی منظم خود را نشان داد. چنین بود که سید محمد طباطبائی در همان سالی که فرمان مشروطیت صادر شد (۱۳۲۴ قمری) انجمن مخفی ثانی را پی ریخت که فعالیت چندانی نکرد، ولی "کمیته انقلاب" انجمن ملی موفق بود. این کمیته در روزهای بعد توانست خود را با حزب همت که توسط سوسیال دمکراتهای روسیه به وجود آمده بود، مرتبط کند (۱۹۰۵ میلادی). ارتباط کمیته انقلاب انجمن ملی با سوسیال دمکراتهای باکو، تأثیر مهم و مستقیمی در روند انقلاب مشروطیت ایران داشت. وجهی

(پدر محمدعلی فروغی) و یحیی میرزا (اسکندری) نام برد. این انجمن، یک کمیته انقلاب با ۹ عضو تشکیل داده بود که در جریان مشروطیت، فعالیت گسترده ای داشتند. این ۹ نفر عبارت بودند از: ملک المتکلمین، سید جمال واعظ، محمدرضا مساوات، سلیمان میکده، یحیی دولت آبادی، نصرت السلطان، شیخ الرئیس، سید ابوالحسن خرقانی، میرزا محسن.

در حوادث بعدی، استفاده و جنجال از عکس نوز بلژیکی در بالماسکه سفارت بلژیک، چوب زدن تخراب توسط علاءالدوله حاکم تهران و... به راه انداختن علما و مردم و تحصن در حضرت عبدالعظیم این دو انجمن (مخفی

اصل و اساس خود احزاب اند. و پشت سر احزاب ملت و مردم. سرخوردگی ملت ایران از احزاب یک واقعیت است ولی نه به آن شدتی که دولت‌های انحصارگر به منظور تسلط و تحمیل خودشان آن را جلوه می‌دهند. علاوه بر این ایرانیان، حتی روشنفکران ما، نه تنها با تحزب آشنا نیستند (یعنی کم آشنا هستند) بلکه ضرورت و مفهوم آزادی را هم خوب درک نکرده‌اند و بعضی‌ها معتقد به آن نیستند. ملت‌های غربی چون احساس ناراحتی و عصبانیت از ظلم اربابها و حکام کرده بودند و از طرف دیگر در اثر رشد برای خود احساس ارزش و حق زندگی و آزادی می‌کردند، علیه استبداد و استثمار به صدا درآیدند و شورش کردند تا خودشان مالک و حاکم شوند. در ایران و کشورهای عقب‌نگهداشته شده، که از دو سه قرن پیش در تماس و برخورد با اروپائیان کم‌وبیش بیدار شدند، و چشمشان به درخت

● ما ایرانیان باید بپذیریم
آزادی نه گرفتنی و نه دادنی
بلکه یادگرفتنی است.

● حضور احزاب یک معادله
دوطرفه است، تنها با تصمیم
دولت درست نمی‌شود، اصل و
اساس خود احزاب اند و پشت سر
احزاب ملت و مردم.

آزادی و حاکمیت قانون و مردم و نتایج نیکوی آن افتاد بیش از هر چیز خواهان و عاشق میوه‌های درخت شده و عنایت چندان به تنه و شاخ و برگ درخت و مخصوصاً به ریشه‌های رشد کرده و پنهان در زیر خاک، نکردند. از راه هوس و تقلید خواسته‌ام ادای دموکراسی

و قانون‌سالاری را در پی آوریم. قلمه‌ها و نهالهای بزرگ و میوه ولی بی‌ریشه را از خارج وارد کرده، در زمین کاشته‌آبی هم بایش ریخته‌ایم ولی بزودی با وزش باد و خشکی هوا خوابیده و خشک شده است. غالباً "پدیده با درخت آزادی در جهت معکوس و وارونه در کشورهای رشد نیافته رخ داده یا روئیده است. مسائل و نتایج ناگواری که هر بار نسیم آزادی یا هوس آن به وجود آورده است از واقعیت فوق سرچشمه می‌گیرد. اما خوشبختانه جنبش‌های فکری و سیاسی و آزمایش‌های مکرر از توالی آزادی و استبداد و حاصل تجربه‌های بدست آمده از انقلاب مشروطیت تا انقلاب ۲۲ بهمن ۵۷، این شده است که اگر چه موقتا " اسم و رسمی از آزادی و قانون شنیده و بلافاصله دچار اختناق و انحصار شده است اما ملت شانس و امکان آن را پیدا کرده است که در هر افت و خیزی عملاً " و نظراً " درسی بگیرد و به کار بندد.

حال اگر آزادی احزاب به وقوع بپیوندد، که مسلماً به صورت کامل و ایدآل نخواهد بود، ولی باز هم خوب است. امید می‌رود که به شرط همت و وحدت مردم وضع بهتر از گذشته نصیب ملت و مملکت گردد.

آزادی احزاب نباید یک هدف نهایی تلقی گردد. بلکه باید به عنوان وسیله‌ای که مردم و دولت را برای همکاری اجتماعی و تحمل افکار و اندیشه‌های متفاوت و متضاد آموزش می‌دهد تلقی نمود. علاوه بر این تحزب و فعالیت حزبی باید به عنوان ابزارهایی جهت آموزش مردم در جهت اداره امور خود و مشارکت دسته‌جمعی در سرنوشت جامعه تلقی شود و بعضی از سروصداها و بی‌نظمی‌های اولیه نیز تحمل گردد.

اصولاً "حاکمیت ملی یا حکومت شورایی مردم بر مردم (که توصیف و توصیف قرآن از یک جامعه ایمانی و برای رسیدن به امت واحد

فهرست احزاب، جمعیتها و گروهها از دوره مشروطه تا امروز

شناسنامه حزبها، سازمانها، گروهها و جمعیت‌های سیاسی از زمان مشروطه تا ۱۳۶۵ را که در کتاب مبانی سیاست (عبدالحمید ابوالحمد / انتشارات توس / چاپ سوم / ۱۳۶۵) گرد آمده است، در اینجا نقل می‌کنیم. این فهرست بیش از هر چیز نشانه عمر کوتاه احزاب و جمعیت‌های سیاسی در ایران است. بیداد است که با اجرا گذاشتن قانون احزاب، تعدادی از این حزبها و جمعیتها فعالیت خود را از سر خواهند گرفت.

- آرمان مستضعفین
- اتحاد برای آزادی
- اتحاد کارگر
- اتحاد انقلابی برای رهایی کار
- اتحادیه کمونیست‌های ایران
- اتحاد مبارزان کمونیست
- اتحاد مبارزه در راه طبقه کارگر
- اتحاد ملی زنان
- اتحاد جبه
- اتفاق جوانان اشتراکی
- انجمن خجسته
- انجمن دفاع از آزادی مطبوعات
- بنیاد اسلامی نصر و فتح
- تشکیلات پیشمرگه‌های زحمتکشان
- پسادیست
- حامه حقوق‌دانان اسلام
- جبهه آزادی مردم (جامی)
- جبهه دموکراتیک
- جبهه مؤتلف احزاب آزادخواه
- جبهه وحدت ملی ایران

فاطمیه و الهی ...

انجمن‌های انصار و جنوب بعداً " به انجمن مخفی ثانی که سید محمد طباطبائی ایجاد کرد پیوستند. انجمن فعال آذربایجان ابتدا به ریاست مرتضوی و بعداً " تقی‌زاده و معاضدالسلطنه تشکیل شد. مجمع یا انجمن انسانیت را مستوفی‌الممالک راه می‌برد. انجمن آل محمد به ریاست سید ابوالقاسم یکی از پسران سید محمد طباطبائی راه می‌رفت. انجمن فتوت را ظفرالسلطنه ریاست می‌کرد و انجمن خدمت (یا اکابر) به پایمردی امیراعظم (برادرزاده امین‌الدوله) حسینقلی نواب، احتشام‌السلطنه و علاءالدوله تاسیس شد. انجمن برادران دروازه قزوین سلیمان میرزا

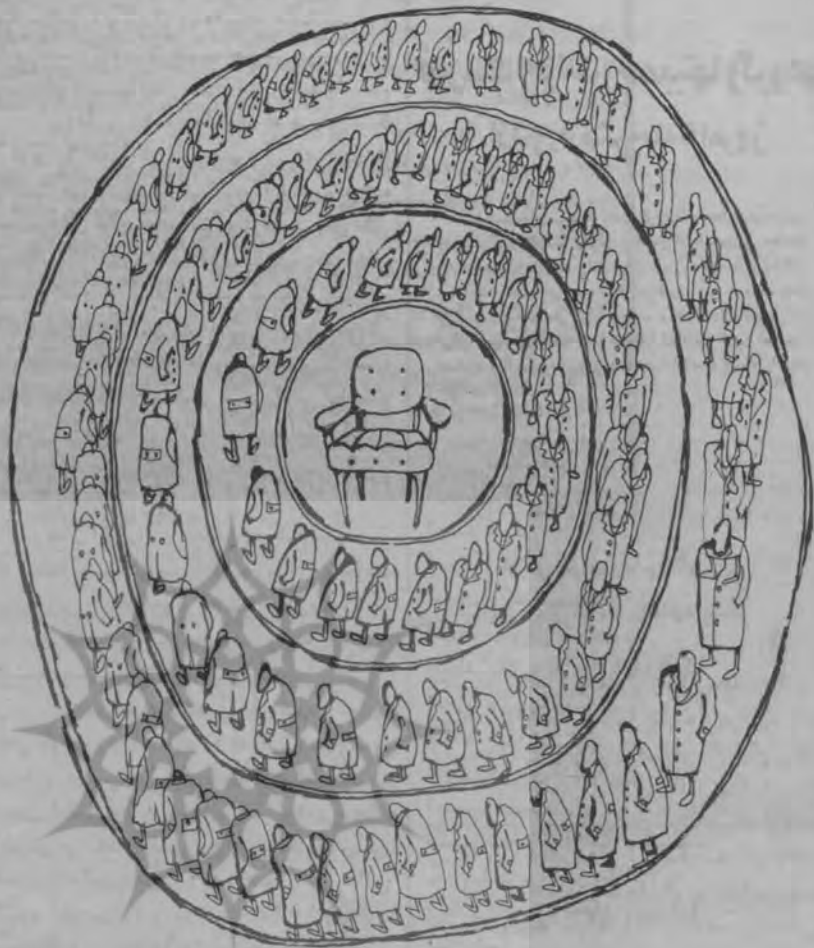
(حسین سمعی)، نصرت‌السلطان و معاضدالسلطنه.

با شروع مجلس اول، تعداد انجمن‌ها نیز فزونی گرفت، به ویژه از آن‌رو که طبق قانون اساسی تشکیل انجمن‌های سیاسی نیز قانونی شد. در مدت کوتاهی تعداد آنها به ۱۰۰ تا ۲۰۰ رسید. بعضی از آنها که فعالیت‌هایی داشته و نامشان در تاریخ مانده عبارت بودند از انجمن‌های: اصفهانی‌ها، شیرازی‌ها، ستار، انصار، جهانگیر، جنوب، تبریز، سنگلج آذربایجان، انسانیت (از مجموع نفرشی‌ها و آشتیانی‌ها و ...)، ورامین، آل محمد، فتوت، خدمت (یا اکابر)، برادران دروازه قزوین، شاه‌آباد، مظفری، طلاب،

بزودی اجتماع‌یون عامیون در سراسر ایران اعضا، تشکیلات و علاقه‌مندی یافت از جمله کمیته‌ای که ملک‌الشعرای بهار نیز عضو آن بود در مشهد تاسیس گشت. ظاهراً "تصمیم به تروار اتاق در حوزه مخفی این حزب گرفته شد.

فرزند ملک‌المتکلمین در تاریخی که بعدها نوشت اسامی اعضای این کمیته را که هدفشان تحکیم مشروطه و مجلس بود چنین ثبت می‌کند: ملک‌المتکلمین، سید جمال واعظ، میرزا جهانگیرخان، مساوات، تقی‌زاده، حکیم‌الملک، خلخالی، سید جلیل اردبیلی، سلیمان میکده، حسینقلی نواب، علی‌اکبر دهخدا، میرزا ابراهیم، داود علی‌آبادی، ادیب‌السلطنه

الهی چنین است)، اگر خواسته باشیم تحت نظام و ضابطه و خالی از هرج و مرج و خرابی باشد بدون وجود و عمل احزاب قابل تصور نیست. بنگاه مبلسون نقر مردم ایران که نمی‌توانند تک‌تک آنها در کلیه امور مملکت نظارت و دخالت داشته باشند و چون همگی صاحب سلیقه و نظر و خواست یکسان و مشترک نیستند ناگزیر باید واحدهای اجتماعی متشکل و مجهز و معدودی به نام حزب یا جمعیت و انجمن به نمایندگی از گروههای اجتماعی و سلیقه‌ای و سیاسی یا تخصصی عهده‌دار وظیفه نظارت و ارشاد و انتقاد دولت‌ها (که در اصطلاح قرآن امر به معروف و نهی از منکر نامیده می‌شود) و احياناً "قبول خدمت و همکاری گردند. شهروندان یک کشور برای ادای وظیفه نظارت، حکومت و خدمت در اداره اجتماع راهی جز از طریق احزاب و واحدهای متشکل ندارند. البته به دلیل فرهنگ سنتی مبتنی بر فردیت و تفرق و کثرت نباید انتظار حزب واحد و حتی سیستم دوحزبی را داشت بلکه در ابتدای کار و شاید تا چندین سال طبیعی و لازم خواهد بود که احزاب متعدد و کم‌وبیش مستقل وجود داشته باشد.



۴ - خود دولت است که با خط و خطوطش فضای سیاسی ایران را درست می‌کند و خود دولت است که باید احزاب مختلف و مخصوصاً غیرموافقها و مستقل و ملی‌ها را تحمل کند. از دولت توقعی جز تحمل صادقانه احزاب و آزادی افکار آنطوری که قانون اساسی تعیین کرده است، نداریم. امکاناتی که باید بدهد در مرحله اول عدم مزاحمت و ممانعت رسمی و غیررسمی است و در مرحله دوم تضمین امنیت و در مرحله سوم اجاره دفتر و اجتماع

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

ضعیف شد. با این همه، پس از چندی کابینه سپهدار سقوط کرد و مستوفی‌الممالک به حکومت رسید که دمکراتها با او موافق بودند. اقدام برداشته این کابینه خلع سلاح مجاهدین بود که با حمله قوای مسلح به پارک اتابک همراه شد. اما کابینه مستوفی‌الممالک که به دمکراتها متکی بود دیر نپایید و با آمدن ناصرالملک نایب‌السلطنه به تهران سقوط کرد. ناصرالملک بعداً "اعتدالیون و ترقی‌خواهان و اتحاد و ترقی را باهم ائتلاف داد و در ضمن پیشنهاد کرد که وکلا حزب و مردم خود را معین کنند که این بحث حتمالاً وسیعی به دنبال داشت. تعطیل مجلس دوم به دست ناصرالملک، به استبداد انجامید. سلیمان میرزا رئیس حزب دمکرات تبعید شد. فعالیتهای

روزنامه جنوب ارگان حزب ترقی‌خواه بیشتر به مسائل جنوب کشور متوجه بود و از این که در مجلس و مطبوعات همه نظرها متوجه شمال کشور (آذربایجان و گیلان) است انتقاد می‌کرد. در دوران تشکیل مجلس دوم از احزاب سوسیالیست، اجتماعون انقلابیون و سوسیال دمکرات نیز، در منابع باد می‌شود که چون و کیلی در مجلس نداشته‌اند، محل اهمیت نبودند. درگیری اصلی مجلس دوم بین حزب دمکرات به رهبری تقی‌زاده و حزب اعتدالیون بود که با ترور سید عبدالله بهمنانی تقی‌زاده از ایران رفت و چون سلیمان میرزا، حانشین تقی‌زاده در ریاست حزب دمکرات نفوذ کلام و قدرت رهبری تقی‌زاده را نداشت، این حزب

(مخس) را به ریاست قبول داشت. این گروههای سیاسی هم طرفدار مشروطه بودند، اما در روزگار عمل انجمن ورامین (به ریاست اقبال‌الدوله) و انجمن‌های آل‌محمد، فتوت، سنگلج و خدمت انجمن مرکزی را تاسیس کردند که طرفدار محمدعلیشاه، یعنی استبداد بودند. حزب دمکرات در مشهد، رشت، کرمانشاه، اصفهان، همدان، قزوین، ارومیه و تبریز تشکیلات و شعبات زنده و فعالی داشت. در مشهد روزنامه نوبهار، در تبریز روزنامه شفق، در رشت صدای گیلان، در اصفهان زاینده‌رود، در قزوین روزنامه قزوین و در ارومیه فروردین نشریات وابسته به این حزب بودند.

● از دولت توقعی جز تحمل صادقانه احزاب و آزادی افکار نداریم. امکاناتی که باید بدهد در مرحله اول عدم ممانعت، در مرحله دوم تضمین امنیت و در مرحله سوم اجازه دفتر و اجتماع و روزنامه و سایر تسهیلات است.

و روزنامه و سایر تسهیلات جاری که خود و طرفدارانش از آن‌ها استفاده می‌کنند. و بالاخره اینکه دولت خود را مجری قانون و خادم مردم بداند نه قیم و مالک آن‌ها.

۵

— حرکت اخیر دولت در اجرای قانونی که هفت سال از تصویب و ابلاغ آن می‌گذرد و ما همیشه تقاضا و اصرار بر اجرای آن را داشتیم چندان از روی صدق و صفا و احترام به قانون و حقوق ملت نبوده است، بلکه بیشتر مقتضیات و فشارهای داخلی و نیازهای دیپلماسی و مالی و فشارهای خارجی باعث این عقبگرد به سوی احزاب و ملت شده است.

دولت عدم اجرای قانون احزاب را معلول جنگ اعلام نموده است اما پس از آتش‌بس پاسخی برای عدم اجرای قانون احزاب وجود نداشته و ندارد. بخصوص که در داخل حاکمیت نیز جناحها و گروههایی مایل به تشکیل حزب هستند. اما قسمت دوم سؤال ناعدودی تکرار سؤال سوم است. همانطور که گفته شد پیدایش و پرورش و دوام احزاب هم با حسن نیت و ظرفیت ویا مشروعیت دولت ارتباط دارد و هم با رشد و پذیرش و اراده عمومی مردم، که احزاب باید معرفی و منبعث از آنها باشند.

ملت ایران اگر خواهان بقا و حظّ از

دنیا و سعادت نهایی است چاره‌ای جز استقبال و اجرای آزادی و حاکمیت ملی را ندارد. به نظر می‌آید تجربه نزدیک به یکقرن اخیر و تجاربی که از تحولات سالهای گذشته و حال خودمان و سایر ملت‌ها آموخته‌ایم به ما فهمانده باشد که مابین استبداد و دیکتاتوری شخصی و صنفی با حاکمیت شورایی و مردمی قانون حدواسط وجود ندارد. اگر مردم (بر وفق یک قانون و نظام صحیح) حاکم و صاحب اختیار نباشند هر نوع حکومت و رهبری و مدیریت دیگر (ولو به نام‌های عدالت، ارشادی، انقلابی، حکومت صلحا یا حکومت... و غیره) دیر یا زود سر از استبداد و استثمار و استعمار و اسارت درمی‌آورد. و مردم و کشور را در تاریکی و بدبختی فرو برده به نابودی و بی‌شخصیتی سوق می‌دهد. ما ایرانیان باید بپذیریم آزادی نه‌گرفتنی است و نه دادنی بلکه یادگرفتنی است. تا نفس‌هایمان عوض نشود، آزادی و حاکمیت ملت تحقق نخواهد یافت. و تا این‌دو نباشد، هیچ‌گونه خواسته یا ارزش اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا اخلاقی و دینی (در ابعاد اجتماعی) تحقق و تضمین نخواهد یافت. آزادی و حاکمیت مآده آسمانی یا زمینی نیست که خدا یا دولت‌ها به ما اعطا یا التفات نمایند. خود ملت است که باید آن را بخواهد، بگیرد، بکار بندد، نگاه دارد و ثمربخشش سازد. ایران چاره‌ای و راهی جز این ندارد. باید خود را برای آن بسازیم و کلاخ آزادی یا حیات و حیثیت را برای خودمان بسازیم.

۶

— در گذشته احزاب سیاسی نتوانستند به طور جدی و به صورت نهادهای در جامعه ایران عمل کنند چون همانطور که گفته شد نه درست درک ضرورت و کیفیت آن را کرده و

- جنبه ملی
- جمعیت آزادی
- جمعیت آزادی مردم ایران (حاما)
- جمعیت انقلاب سرخ ایران
- جمعیت ایرانی تعاون با فلسطین
- جمعیت بیداری زنان
- جمعیت ترقی خواهان ایران
- جمعیت راه آینده
- جمعیت حامیان صلح
- جمعیت زنان مبارز
- جمعیت عدالت
- جمعیت فدائیان اسلام
- جمعیت فدائیان
- جمعیت ملی انقلاب ایران
- جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران
- جنبش مسلمانان مبارز
- جنبش ملی مجاهدین
- حزب آزادگان
- حزب آزادی ایران
- حزب اتحاد برای آزادی
- حزب اتفاق و ترقی
- حزب اراده ملی
- حزب استقلال
- حزب اصلاح‌المسلمین
- حزب اصلاحیون اجتماعيون
- حزب انتقام
- حزب اجتماعيون عاميون
- حزب اعتدال ایران
- حزب اعتدالیون اجتماعيون
- حزب ایران
- حزب ایران نوین
- حزب برادران
- حزب پان ایرانیسم
- حزب ترقی خواهان
- حزب توده ایران
- حزب جمهوری اسلامی ایران

را که نامی داشت، بی‌توجه به دمکرات یا اعتدالی به حبس انداخت. مجموع این حوادث ترکیب احزاب را بکلی بهم ریخت. مجلس چهارم ترکیب تازه‌ای پذیرفت. مؤلفین قصر شیرین — دمکراتها و اعتدالی قدیم — حزب سوسیالیست را به راه انداختند که سلیمان میرزا و میرزا محمد صادق طباطبائی بانی آن بودند. باقیمانده دمکراتها در تهران و آنها که به نمایندگی مجلس چهارم انتخاب شده بودند، به اضافه تیمورتاش و نصرت‌الدوله فیروز که به فعالیت سختی در صحنه سیاسی مشغول بودند و حزب اصلاح طلبان را پایه گذاشتند که در مجلس چهارم اکثریت داشت. این همان مجلسی است که از سوی مطبوعات آزاد و کسانی چون عشقی به فراوانی دشنام

دولت موقت در تبعید انحامید و با شکست سلیمان میرزا عملاً "هر دو حزب متحل شدند. اما در تهران، ۱۹ نفر از دمکراتهایی که به مهاجرت نرفته بودند، تشکیلات دمکرات را دوباره بهم پیوند دادند. هنوز شروع به کار نکرده، سید محمد کمره‌ای از زعمای دمکرات و مدیر روزنامه ستاره ایران انشعابی را شکل داد به عنوان دمکراتهای ضد تشکیلی (در مقابل دمکراتهای تشکیلی). مجلس سوم، در اوضاعی شلوغ، احزاب بهم ریخته، دولت‌های یکی دو ماهه طی شد. در اسفند ۱۳۹۹ حزب کمونیست ایران توسط حیدر عمواوغلی، پیشه‌وری، احسان‌اله‌خان، در بندر انزلی تاسیس شد.

سیدضیا نخست‌وزیر کودتا، هر آن کس

حزبی تعطیل گردید، روزنامه‌ها بسته شد. جنگ جهانی اول پیدا شد. احمدشاه به سن بلوغ رسید و دوران استبداد ناصرالملک که انگلیس‌ها از آن حمایت می‌کردند و روسهای تزاری نیز در آخرین سالهای عمر خود موافق آن بودند، پایان گرفت.

در مجلس سوم، اکثریت با دمکراتها بود که در مجلس دوم جانفشانی کرده، تبعیدها دیده و در دید مردم به جهت موضع ضدارتجاعی و انتقادیشان محبوب بودند. در همان ابتدای کار اجتماعيون به دو گروه تقسیم شدند، روحانیون در یکطرف قرار گرفتند و گروه دیگر تحت عنوان آزادیخواه درآمدند. تاثیر حوادث آن زمان به اختلاف سلیمان میرزا رهبر دمکراتها و نظام السلطنه رئیس

طعم آن را چشیده بودیم و نه در راه تحقق و حفظ آن همت و همکاری و فداکاری لازم را به خرج دادیم. بسیاری از احزاب گذشته بمعنای صحیح کلمه حزب نبودند حالت انتفاعی شخصی یا فرمایشی داشتند. و اگر هم افرادی در گذشته دور هم یا بدور رئیس در چل سیاسی یا رهبری جمع می شدند بیشتر برای وکیل و وزیر و یککاره شدن بود تا تشکیل حزب مرادار و هدفدار خدمتگذار مردم یا یک مسلک و عقیده مقدس. غالباً "نیز با رسیدن یا نرسیدن به مقصد، خودبه خود تعطیل و تمام می شد یا در اثر اختلافات و اشکالات تدریجاً" خاموش می گشت. احزاب با هدفهای واقعی ملی یا اجتماعی یا دینی پاک، که بدون پشتیبان خارجی باشند چون نمی توانستند همفکر و همکار فداکار پیدا کنند و یا چون روح تشکل و تحمل جمعی در میانشان قوی نبود در برابر مشکلات و معارفتها مایوس و متفرق می شدند.

اصولاً "ملت ایران تکزیست یا فردی- مسلک و فردپرست است، که ۲۵۰۰ سال در نظام و فرهنگ استبداد شاهنشاهی بسر برده و آشنایی و سابقه لازم برای "خودمدیری" و زندگی جمعی را نداشته است. فرهنگ استبدادی، علیرغم مبارزه با مستبدین و سرنگونی مستبدها، همچنان در میان ماریشه دار است. این فرهنگ در تمامی شئون سیاسی و اجتماعی ما اثر گذاشته است و یکی از ریشه های فرهنگی عدم موفقیت فعالیت های جمعی، اعم از سیاسی و غیره آن در ایران می باشد. احزاب سیاسی هدفدار و مرادار ایران نیز نظیر بسیاری از تشکل های مردمی دچار فرهنگ استبدادی می شوند. به این معنا که سلطه طولانی فرهنگ استبدادی مردم ما را در رابطه با "قدرت" به دو گروه سلطه گر (Dominant) و سلطه پذیر و مطیع (Submisine) تقسیم



حزب کمونیست مرتبط بودند در همان ابتدای فعالیت به دام پلیس افتادند. اما، با سقوط دیکتاتوری رضاشاه و حمله متفقین به ایران، در زندانها باز شد و قلمها و بیان آزاد، بطور طبیعی از دل این آزادی، احزاب سیاسی زاده شدند. اولین و مهمترین آنها حزب توده ایران بود که در منزل سلیمان میرزا اسکندری، با حضور عده ای از ۵۳ تن (گروه آرائی) یا گرفت. این حزب در مدت ۷ سال فعالیت علنی خود چنان تشکیلات و سازمانی یافت که هرگز یک سازمان سیاسی به آن نرسید. در همان سالهای نخست، میتینگها، باشگاهها، جمعیت های فرعی این حزب و روزنامه های متعددی و نفوذی که بین جوانان و کارگران داشت، رجال و دستگاه

تجدد، آزادیخواه، اقلیت، تکامل، ملیون و منفردین. ولی در عمل فقط "اقلیت" در مقابل دولت سردار سپه ایستاده بود، بقیه فراکسیونها تن به او و امواجی سپردند که سردار سپه را به سلطنت می برد.

با آغاز دوران سلطنت رضاخان، احزاب یکی یکی به تاریخ سپرده شدند. در این میان، تیمورتاش به تاسیس حزب فراگیر "ایران نو" دست زد که در حقیقت کشاندن مملکت به دوران تک حزبی بود و تمام نمایندگان مجلس و وزیران عضو این حزب، تابع رضاشاه و به دبیراوی تیمورتاش. اما با طرد و قتل تیمورتاش، این حزب نیز فراموش شد و دیگر نامی از حزب برده نشد و تا شهریور ۱۳۲۰ حزب بازی تعطیل شد. گروه آرائی نیز، که با

شنیده، اما دعوی اصلی در انتخابات دوره پنجم رخ داد که آنچه انگلیسها در کودتا کاشته بودند، در این زمان می بایستی درو می کردند. پس به قول ملک الشعرا اصلاح طلبها و سوسیالیستها هر دو رای داشتند، ولی (انتخابات) ایالات را وزارت جنگ برد؛ این گروه که برای حکومت سردار سپه آماده شده بودند ابتدا "دمکرات مستقل" سپس تجدید نام گرفتند و فراکسیون قوی و مستقلی شدند که گاه سوسیالیستها از آنها حمایت کردند، گاه اصلاح طلبان از وحشت تن به خواست آنها دادند.

مجلس پنجم ۲۲ بهمن ۱۳۰۲ افتتاح شد، و به ظاهر شش فراکسیون در مجلس پنجم فعالیت داشتند که عبارت بودند از: قیام،

کرده است. هر زمان که جمعی به دور هم گرد می‌آیند و گروهی تشکیل می‌دهند عده‌ای بلافاصله با باندبازی و رقیب‌بازی و انواع حیل‌های تشکیلاتی و شبه‌دموکراسی، سلطه‌گر می‌شوند و همه‌چیز را در انحصار خود درمی‌آورند و دیگران هم قبول سلطه می‌کنند و تمکین نموده و رضایت می‌دهند. از اینجا اختلافات و دعوای حزبی شروع می‌شود. جمعی که عمر و جوانی و انرژی زیادی صرف حزب کرده‌اند انشعاب می‌کنند و جمعی دیگر

● تحزب و فعالیت حزبی باید به عنوان ابزارهایی جهت آموزش مردم در جهت اداره امور خود و مشارکت دسته‌جمعی در سرنوشت جامعه تلقی شود و بعضی از سروصداها و بی‌نظمی‌های اولیه نیز تحمل گردد.

خسته از این دعوای بی‌سروصدا خود را کنار می‌کشند و حزب اگرچه یکپارچه بدست یک گروه سلطه‌گر می‌افتد اما اولاً "دیگران تحرک و جامعیت را ندارند و ثانیاً" حاکمیت چنین رویه‌هایی سبب ادامه این جنگ قدرت و دسته‌بازی تا رسیدن به مرحله انحلال و بی‌اثری می‌گردد. اکثر احزاب ایران که دچار مسائل داخلی شده‌اند گرفتار اثرات فرهنگ استبدادی بوده‌اند.

معدلک نباید نگرانی زیاد داشته باشیم. نیاز و ضرورت و عمل بهترین معلم و مربی افراد و اجتماعات است. قرن‌ها بلکه هزاران سال بود که اجداد و پدران ما و خود ما تا این اواخر عادت و علاقه داشتیم در چهاردیواری خانه‌های شخصی بصورت انفرادی زندگی کنیم

اما از سی چهل سال پیش، که با کثرت جمعیت تهران و افزایش قیمت زمین موضوع استفاده از ساختمانهای بلند چندطبقه، علیرغم استتکاف و اشکال خانواده‌ها پیش آمد، حالا می‌بینید که از هر کوی و برزن پایتخت (و بعضی از شهرهای بزرگ دیگر) عمارات ده بیست طبقه و مجتمع‌های مسکونی تا چند خانواری سبز شده همان افراد و خانوارها تن به زندگی در کنار یکدیگر داده، انضباط و مقررات زندگی آپارتمانی را همراه با همکاری و انتخاب هیئت مدیره و غیره پذیرفته‌اند.

در مورد احزاب نیز در مجموع و در طول زمان خوشبختانه تغییرات محسوس، در جهت سیر تکاملی، ولو ضعیف، وجود داشته است. حرکت‌های سیاسی - اجتماعی و تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی، و همچنین تحول فرهنگی، تغییراتی در روابط میان مردم بوجود آورده است همانطور که عناصر فرهنگ استبدادی در روحمیات و خلیقیات مردم ما متحول می‌گردد و جای خود را به روح همکاری جمعی و تحمل عقاید دیگران می‌دهد و برای ادامه حیات خود بالاچار تمرین کارجمعی کرده و می‌کنیم، زمینه برای شکل‌های سیاسی و اجتماعی نیز به معنای واقعی خود فراهم شده و می‌شود.

باید دانست که پیدایش احزاب در جهان نیز یک پدیده جدید است و در کشور ما جدیدتر. ریشه پیدا کردن احزاب نیازمند زمان است باید زمینه‌های رشد احزاب را فراهم ساخت و سپس به تقویت آن پرداخت. خوشبختانه انقلاب اسلامی ایران تجربه‌های فراوانی از این همکاری‌های جمعی را ارائه داد و تغییرات مشهودی را بوجود آورد. باید از این زمینه‌ها حسن استفاده را بعمل آورد.

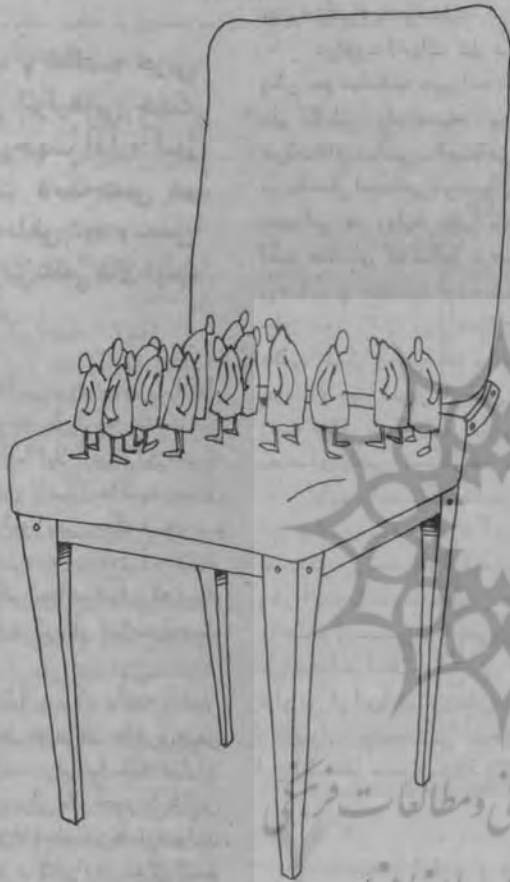
✓ - نهضت آزادی و جمعیت دفاع از

- حزب جمهوری خلق مسلمان
- حزب جمهوریخواه ایران
- حزب خلق
- حزب دانشناکسوتیون آرامنه
- حزب دموکرات
- حزب دموکرات کردستان
- حزب دموکرات تبریز
- حزب دموکرات رضائیه
- حزب دموکرات فارس
- حزب دموکرات مشهد
- حزب دموکرات عامیون
- حزب دموکرات ملی
- حزب دهقان
- حزب جنگل
- حزب رادیکال سوسیالیست
- حزب رستاخیز انسانی ملت ایران (راما)
- حزب رستاخیز ملی ایران
- حزب رنجبران
- حزب زحمتکشان
- حزب سوسیالیست
- حزب سوسیالیست اونقیه یا اجتماعیون
- حزب عدالت
- حزب کارگران سوسیالیست
- حزب کمونیست
- حزب کمونیست ایران
- حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران
- حزب مستبد
- حزب مشروطه‌خواه
- حزب مردم
- حزب مردم ایران
- حزب ملت ایران
- حزب ملل اسلامی
- حزب ملبون
- حزب میهن‌دوستان
- حزب ناسیونال دموکرات
- حزب نبرد ایران

حاکمه را به وحشت انداخت. احزاب عدالت و اراده ملی که توسط رجال دست‌راستی به وجود آمد، در جهت مقابله با حزب توده بود. و می‌توان گفت از آن پس، هر حزبی در ایران به وجود آمد، آشکارا یا پنهان به قصد محدود کردن دامنه فعالیت حزب توده به وجود آمده بود. کاری را که حزب عدالت و اراده ملی سیدضیا نتوانست انجام دهد در سال ۱۳۲۵ حزب دمکرات قوام السلطنه، به شکل دیگری انجام داد. در آن زمان مظفر فیروز مشاوری چپ‌گرای قوام السلطنه حزب دمکرات ایران را بی ریخت که درحقیقت مقابله وی با "فرقه دمکرات آذربایجان" و "فرقه دمکرات کردستان" بود که توسط پیشه‌وری و برادران قاضی ایجاد شده و با حمایت ارتش

را داشت. هرچه حزب ایران در جذب متخصصان و روشنفکران موفق بود و بصورت گروهی و دمکراتیک اداره می‌شد، حزب مظفر بقاشی، قائم به شخص او بود. مرداد ۱۳۲۸ ماه داغ و پرتحرکی در صحنه سیاسی ایران بود. مجلس پانزدهم با نطق طولانی مکی، بی آن که به قرارداد گس - گلشائیان رای بدهد پایان گرفته بود. مکی، حائری‌زاده، مظفر بقاشی، عبدالقدیر آزاد (اقلیت آن مجلس) معروفیتی به دست آورده، همراه با دکتر مصدق فعالیت داشتند. این فعالیت، در لحظاتی حزب توده را در فشار گذاشته بود، گرچه آن حزب به یاری تشکیلات خود رشد می‌کرد. صف‌آرایی نیروهای چپ، ملی و ارتجاعی

آزادی و حاکمیت ملت ایران هیچ‌گاه ادعا و انتظار نداشته‌اند. یک‌تنه و در کوتاه‌مدت با عدم آمادگی‌های اجتماعی و عدم تمایل دولت، برنامه‌های را در صحنه سیاسی ایران به اجرا درآورد. فقط برنامه‌های شخصی و سطحی و محدود است که با پشتیبانی دولت‌های خارجی یا داخلی در مدتهای کم انجام پذیر می‌شود. مبدلک چنین هم نیست که نهضت آزادی فعالیت پیگیر و موفقیت نسبی نداشته و برنامه‌هایی را در صحنه ملت و در صحنه سیاست اجرا نکرده باشد. همینکه بشکر خدا و علیرغم دشمنی‌ها و کارشکنی‌های دستگاه شاهنشاهی و حاکمیت استبداد پارتی‌مآند و توانسته‌ایم به ملت نشان دهیم که یک حزب یا جمعیت می‌تواند امیدواری و همکاری خود را حفظ کند، به اتکای خدا و قانون و صداقت مبارزه کند، لاقط حرف حق خود را بزند، این خود برنامه بی‌ارزش و بی‌خاصیت برای درازمدت نیست. علاوه بر این در سال اول انقلاب و استقرار جمهوری، علیرغم حملات و اتهاماتی که وارد می‌کنند دولت موقت خدمات عمده‌ای به لحاظ انتقال نظام استبدادی به جمهوری و ارائه مدیریت و مباشرت مملکت برای آزادی، آبادی و استقلال انجام داد. در دوران نظام جمهوری اسلامی نیز فکر می‌کنیم خواسته‌ها و گفته‌ها و نوشته‌های ما و ایستادگی در برابر زور و آزار و تهدید و انحراف خالی از تاثیر و تحریک در میان دولت و ملت نبوده است. جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران نیز با وجود عمر کوتاه دو سال و نیم خود در محیط خفقان و یاس و ترس و بی‌تفاوتی توفیق اجرا یا لاقط ارائه اثبات برنامه‌ها و ارزشهایی را داشته است. امیدواریم آنچه کرده‌ایم و انشاءالله خواهیم کرد مقبول درگاه حق و مقید و موثر در ملت باشد.



شکوه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال جامع علوم انسانی

در انتخابات دوره شانزدهم که با نخستین انتخابات مجلس سنا همزمان بود، با حضور روزنامه‌های متعددی که فضای سیاسی را داغ نگه داشتند به تاسیس جبهه ملی انجامید. آیت‌الله کاشانی، پس از بازگشت از تبعید با استقبال ملی‌گرایان روبرو شد. او نیز با جبهه ملی همگام شد.

در جبهه ملی، همه شخصیت‌ها و احزاب آزادیخواه و مدیران روزنامه‌های ملی عضویت گرفتند. به این ترتیب ملی‌گرایان برای نخستین بار در مقابل جناح چپ (حزب توده) و احزاب و اشخاص وابسته به دربار و سیاست خارجی جبهه‌ای ساختند که صدق را به نخست‌وزیری رساند. بزودی "مسلمانان مبارز" با عنوان جمعیت و نه حزب، توسط شمس قنات‌آبادی و

سیدمصطفی کاشانی (فرزند آیت‌الله) ایجاد شد که در ابتدا همسویا جبهه ملی عمل می‌کرد. اما در تظاهرات هاو میتینگ‌ها زدو خوردهای خیابانی تنها بخشی از جبهه ملی که باری مقاومت در برابر حزب توده را داشت، حزب زحمتکشان بود که پان ایرانیزم را نیز گاه درکنار داشت و بسیاری از قلدران محلات پرجمعیت تهران را با خود همراه کرده بود. بزودی حزب زحمتکشان، توسط یک گروه تئورسین و پرشور از انشعابون حزب توده (به سرکردگی خلیل مکی) تقویت شد و روزنامه شاهد ارگان حزب زحمتکشان با مقالات تئوریک و ادبی خلیل مکی و جلال آل‌احمد و دیگران شکل گرفت. اما این ائتلاف به دلیل خودرایی بقائی به جایی نرسید. انشعابون

حزب توده "نیروی سوم" را به وجود آوردند که جای زحمتکشان را در ماههای آخر دولت مصدق، پر کرده بود. درحالی که انشعابی از حزب پان ایرانیزم، با نام حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیزم که توسط داریوش فروهر رهبری می‌شد، نیز در تظاهرات زدو خوردهای خیابانی قابلیت‌هایی از خود نشان می‌داد. گریم آنان به آن شدت که پان ایرانیزم به رهبری محسن پزشکیور و سومکا (مخفف سوسیالیزم ملی کارگران ایران) به رهبری داود منشی‌زاده همتلری معروف، به موسسات حزب توده حمله می‌بردند و با اعضای آن حزب دشمنی داشتند، با توده‌ایها درگیر نبود. درکنار این سه حزب ناسیونالیست، حزب آریا نیز با اونیفورم و حرکات نازی‌وار خود، به